

مشورت، منشور اخلاقی در جامعه دینی

دکتر سید محمد رضا حسینی استادیار دانشگاه پیام نور

چکیده:

نقش مشورت در ساز و کارهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های فردی و اجتماعی، بسیار مهم و تعیین‌کننده است که آدمی را در شفاف‌بینی مدد می‌رساند. انسان در هر مرحله‌ای و رتبه‌ای از اندیشه و تعقل که باشد به این اصل مهم نیازمند است. و هرگز نمی‌تواند خود را از بهره‌های خرد جمعی بی‌نیاز بداند؛ از این رو است که اسلام از ابتدای ظهورش بر این امر توجه ویژه داشته و خردمندان یکی از راه‌های صحیح در رفتار فردی و اجتماعی را، استفاده از عقل جمعی و خرد دیگران می‌دانند؛ چنان که خداوند به پیامبرش تأکید فرمود، و پیامبر اسلام π و ائمه معصومین Δ نیز به آن سفارش فراوانی داشتند تا فرهنگ مشورت را در جامعه دینی نهادینه، و همگان به این منشور اخلاقی در رفتار فردی، خانوادگی و اجتماعی ترغیب و تشویق شوند.

این مقاله بر آن است تا نقش مشورت به عنوان منشور اخلاقی در جامعه دینی را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

کلید واژه:

مشورت، منشور، اخلاق، جامعه و دین

مقدمه

مشورت به عنوان منشور اخلاقی از جمله مسایل مهم و حیاتی در تصمیم‌گیری‌ها، و ارزشمندترین دستوره‌های دین جهت سلامت جامعه و نیل به اهداف والای انسانی آن است؛ از این رو خردمندان یکی از راه‌های رشد، تکامل انسانی، اداره صحیح و درست جامعه در استفاده از خرد دیگران و عقل جمعی می‌دانند. همه جوامع، هم‌فکری و مشورت کردن در عرصه‌های مختلف را، ارج نهاده و جایگاه ویژه‌ای برای آن قائل اند؛ زیرا سلامت تصمیم‌گیری‌ها در گروه مشورت با خردمندان است و جامعه‌ای که در آن، مشورت یک اصل مسلم باشد و از اجزای ضروری و لابدیت آن به شمار آید، جامعه‌ای برتر و سعادت‌مند خواهد بود.

به طور قطع، مردمی که امور مهم خود را بر اساس هم‌فکری و مشورت با صاحبان اندیشه پیری کنند، گرفتار لغزش‌ها و چالش‌ها نمی‌شوند. از این رو فقدان فرهنگ مشورت در جامعه، مانع رشد افکار، بالندگی و پویایی جامعه و افراد آن می‌شود و جامعه را به افول می‌کشاند.

آیات فراوان از قرآن کریم نیز مشورت را جایگاه والایی بخشیده، هم‌چنان که احادیث بسیاری از شخص پیامبر π و ائمه اطهار Δ وجود دارد که بر اساس آن اصحاب و یاران خود را به مشورت تشویق و ترغیب نموده و خود نیز در بسیاری از امور مهم با اصحاب، یاران و فرماندهان مشورت می‌کردند.

به گواهی تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی، هیچ خردمندی با مشاوره مخالفت نکرده و نمی‌کند؛ زیرا خرد او اجازه مخالفت با عقل جمعی را به او نمی‌دهد. مردم نیز این نوع مخالفت‌ها را نمی‌پسندند و اگر کسی در هر

عصری با نظر جمع خردمندان، مخالفت شود، نه تنها نزد مردم آن عصر، بلکه آیندگان نیز آن را مذموم می‌دانند. بی‌تردید - همان طور که شهید مطهری می‌فرماید: «در مواردی که نص از اسلام وارد نشده، مسلمین باید روش علمی خود را با شورا و فکر جمعی انتخاب نمایند» (مطهری، ۱۳۶۹ش) - مشورت در مواردی است که حکم خدا وجود نداشته باشد و انسان به ناچار می‌بایستی از عقل خود و دیگران کمک بگیرد.

مفهوم شناسی مشورت

لغت شناسان در کتاب های لغت گفته اند: شور، مشورت، شورا، مشاوره و مشاور، به معنای بیرون کشیدن، برداشتن و استخراج کردن است. (دهخدا، ۱۳۷۷ش: حرف شین).

برخی دیگر اظهار داشتند: مشورت از ماده "شور" است که در لغت به معنای برداشتن و استخراج عسل از کندوی زنبور عسل است (قرشی ۱۳۷۲ش: ۴/۸۸). مشاوره در لغت عرب، نظرخواهی از طریق مشورت است. راغب اصفهانی در کتاب «مفردات» می گوید: «التَّشَاوُرُ وَالْمُشَاوَرَةُ: اسْتِخْرَاجُ الرَّأْيِ بِمُرَاجَعَةِ الْبَعْضِ إِلَى الْبَعْضِ؛ (راغب، ۱۴۰۴ق/۲۷۰) تشاور و مشاور و مشورت، کسب نظر از طریق مراجعه برخی به برخی دیگر است». این نوعی استخراج رأی صحیح است. برخی گفته اند: شور دارای سه معنا است: مشورت کردن، کاری که درباره آن مشورت می شود و مجلسی که برای مشورت کردن و تبادل آرا تشکیل می گردد. (معلوف، بی تا: ۴۰۷).

در تعریف اصطلاحی گفته اند: کلمه "تشاور"، "مشاورت" و "مشورت" به معنای استخراج رأی صحیح است؛ این که آدمی در مواقعی که خودش درباره کاری رأی صحیح ندارد، به دیگران مراجعه و از عقل و تجارب آنان استفاده نماید. (راغب، ۱۳۸۱ش: ۴۷۰). برخی مدعی شدند که «به معنای تعاطی افکار، تضارب آرا، به دست آوردن رأی و نظر دیگران با مراجعه به آنان و نیز کشف و استنباط آرای اهل درک و دقت است. (قرشی: ۱۳۵۴ش)؛ اگرچه از نظر لغت و اصطلاح، شورا و مشورت، از مجموعه معانی لغوی، مفهوم اصطلاحی «مشاوره» نیز شناخته می شود.

امروزه، متخصصان در امر مشاوره، تعریف های زیادی از آن بیان کرده و به روان شناسی مشاوره نیز پرداخته اند. در مبانی علمی «مشاوره» که معادل «Counselin» به کار می رود، می تواند به صورت زیر تعریف شود: «مشاوره، فعالیتی است بین مشاور و مراجعه کننده تا وی با استفاده از راهنمایی های مشاور به قابلیت ها و توانایی های خود، محیط و موقعیت های زندگی و دیگر واقعیت های مربوط به وی، شناخت پیدا کند و مشکلات و مسائل خویش را حل نماید و در زندگی تصمیمات مقبولی بگیرد». با این تعریف، تفاوت میان مشاوره با روان درمانی، قطعی و روشن می شود.

آقای کرومبولتز (Kromboltz) چنین تعریفی را ارائه می کند: «مشاوره از تمامی فعالیت های اخلاقی تشکیل یافته است که در آن، مشاور سعی و تلاش می کند تا به مراجع کمک کند تا به آن دسته از رفتارهایی بپردازد که بتوانند به حل مشکلات و مسائل او منجر شوند». (کریستانی، بی تا: ۱۰).

از مجموع تعریف ها به دست می آید که مشورت و هم اندیشی نوعی تعامل بین مشاور و مشورت گیرنده است که در آن، مشاور به مشورت گیرنده کمک می کند تا پس از شناخت دقیق خود، موقعیت و شرایط اطراف،

تصمیمات معقول، منطقی و مقبولی اتخاذ کند که دارای عقبه‌ای عالمانه باشد.

مفهوم شناسی اخلاق

اخلاق در لغت به معنای طبیعت و سرشت است. از این رو برخی چنین اخلاق را چنین تعریف کرده اند: «اخلاق، مجموعه‌ای از معانی و ویژگی‌های مستقر و ثابت در نهران انسان است که در پرتو آن، رفتار در نظرش نیک یا زشت نشان داده می‌شود و از این رو، فرد یا به انجام آن اقدام می‌نماید یا از انجام آن خودداری می‌ورزد». (زبدان، ۱۹۷۵م: ۷۵). دیگری با کمی تفاوت می‌نویسد: اخلاق مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌هایی است که رفتار انسان را تنظیم می‌نماید، و تعالیم وحی آن‌ها را تعیین فرموده و جهت تحقق هدف وجود انسان در کره خاکی، اصول و ضوابطی را برای آن‌ها قرار داده است «(عبدالحلیم، ۱۹۹۰م: ۸۵). «اخلاق» جمع «خُلُق» بر وزن (قفل) و «خلق» بر وزن (افق) می‌باشد، به گفته «راغب» در کتاب «مفردات»، این دو واژه در اصل به یک ریشه باز می‌گردد، خُلُق به معنی هیئت و شکل و صورتی است که انسان با چشم می‌بیند و خُلُق به معنی قوا، سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می‌شود. البته «اخلاق» را از طریق آثارش نیز می‌توان تعریف کرد، و آن این‌که گاه فعلی که از انسان سر می‌زند، شکل مستمری ندارد؛ ولی هنگامی که کاری به طور مستمر از کسی سر می‌زند، مانند امساک در بذل و بخشش و کمک به دیگران - به این دلیل که ریشه درونی و باطنی در اعماق جان و روح او دارد، آن ریشه را خُلُق و اخلاق می‌نامند. و معتقدند می‌گویند: «خُلُق همان حالت نفسانی است که انسان را به انجام کارهایی دعوت می‌کند بی آن که نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد.» (مسکویه، ۱۴۱۱ق: ۵۱).

مفهوم شناسی منشور اخلاقی

منشور اخلاقی مجموعه‌ای از معیارهای اخلاقی - ارزشی، خط مشی‌ها، اصول، مقررات و راه‌حل‌های است که عملکرد و اقدامات صحیح افراد جامعه و یا کارکنان سازمان‌ها را به صورتی واضح و شفاف مانند: مشورت، صداقت، عدالت، متانت، رازداری، امانت‌داری، بردباری، وفاداری، مهربانی، درستی، دل‌سوزی، پاسخ‌گویی، کمال‌جویی، احترام، استقلال، ادب، مدارا، ایمان، اعتقاد، انصاف، ثبات رأی، پایبندی به ارزش‌ها و قانون،

وفای بعهد، خدمت به مردم، نوع دوستی و ... معین نموده و معیارهایی برای تصمیم‌گیری و انتخاب، با هدف تاثیر بر رفتار آنان در اختیارشان قرار می‌دهد. تا با این پیام‌ها که هم برای مخاطبین داخلی و هم مخاطبین بیرون از سازمان طراحی شده است، رفتارهای اخلاقی را در سازمان نهادینه سازند.

برخی از دولت‌ها نیز منشور اخلاقی دارند؛ مانند دولت «تدبیر و امید» در ۱۳ بند که در سایت خود بارگذاری کرده است. و برخی از وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها، بانک‌ها، کارکنان دولت و حتی شرکت‌ها خودرو ساز، دارای منشور اخلاقی هستند. که منشور اخلاقی کارکنان در ۳۲ بند تنظیم شده است، بسیاری از این منشور‌ها باهم تفاوت‌های بسیار زیادی دارند و با دقت در این منشور، خواهید دید به بسیاری از آن‌ها عمل نمی‌شود جادارد تا محققین به نقد و بررسی آن‌ها بپردازند

پیشینه مشورت

بی تردید تاریخ مشورت و مشاوره را می‌توان مقارن با زمان شکل‌گیری زندگی اجتماعی انسان دانست؛ زیرا مشورت عامل رشد اجتماعی و فرهنگی و اسباب ایجاد ماهنگی در جوامع بشری به شمار می‌رود. انسان‌های کهن هرگاه از شناخت و درک مسأله‌ای عاجز و یا در ابعاد ناشناخته موضوعی سرگردان می‌شدند، به سراغ دیگران می‌رفتند و از آنان کمک می‌گرفتند و با رایزنی‌ها و مشورت‌ها در صدد دستیابی به نادانسته‌ها و یافتن پاسخ پرسش‌های خویش بر می‌آمدند. قرآن شهادت می‌دهد که در امت‌های پیشین نیز بسیاری از اشخاص در امور و شؤون مختلف با اطرافیان خود همفکری و مشاوره داشته‌اند. برای نمونه به سه مورد از این مشورت‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. وقتی نامه حضرت سلیمان^ع به بلقیس - ملکه سبا - و قوم او رسید که در آن خواسته شده بود بر سلیمان برتری نجویند و از سر تسلیم و اطاعت نزد سلیمان روند، بلقیس به بزرگان قوم خود گفت: «يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ الْأُتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِي»؛ (نمل : ۳۲) ای بزرگان، نظر خود را در این امر مهم به من بگویند که من هیچ کار مهمی را بدون حضور (و مشورت) شما انجام نداده‌ام.

۲. قرآن در جای دیگر می‌فرماید: «وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ»؛ (قصص: ۲۰) مردی با سرعت از دورترین نقطه شهر (مرکز فرعونیان) آمد و گفت: ای موسی! این جمعیت برای کشتن تو، به مشورت نشسته‌اند، فوراً (از شهر) خارج شو که من از خیر خواهان تو هستم.

۳. امام باقر ۷ فرمود: «فِي التَّوْرَةِ أَرْبَعَةُ أُسْطُرٍ: مَنْ لَا يَسْتَشِيرُ يَنْدَمُ... (البرقی، ۱۳۷۰ش: ۶۰۱/۲، ح ۱۶؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۵۷/۱۳) در تورات چهار سطر وجود دارد که یکی از آن‌ها این است: کسی که با دیگران مشورت نکند پشیمان می‌شود». امت‌های قبل با عقلای قوم مشورت می‌کردند و دیگران را نیز تشویق می‌کردند تا در امور مهم، با صاحبان خرد و علم، هم اندیشی و مشورت کنند.

الف) قابلیت‌های مشورت به عنوان منشور اخلاقی

مشورت قابلیت‌ها و آثار فراوانی دارد که می‌تواند رکن اساسی در منشور اخلاقی به شمار آید که به برخی از آنان اشاره می‌شود:

۱- نیاز انسان به مشورت

بی تردید محدودیت فکر و نقص عقل در وجود انسان از یک سو و حس پویائی، تکامل خواهی در انسان از دیگر سو، نیاز انسان به مشورت را آشکار می‌سازد؛ زیرا عقل آدمی همان‌گونه که قادر به درک اشیاء و مفاهیم است، محدودیت ادراکی خود را نیز درک می‌کند. به عبارت دیگر عقل آدمی درک می‌کند که دچار محدودیت در فهم و درک است و نمی‌تواند هر چیز را بداند. از این رو انسان هرگز نباید خود را از علم و تخصص و تجربه دیگران بی‌نیاز بداند، که یکی از راه‌های استفاده از دانسته‌های دیگران، مشاوره، هم‌فکری و هم‌اندیشی با آنان است.

از این منظر مشورت و هم‌اندیشی دارای ضرورتی عقلی است و عقل هر انسانی آن را قبول داشته و بر آن صحنه می‌گذارد. نگاهی به تاریخ تحول و پیشرفت علم نیز ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که پیشرفت علوم در همه اعصار، با تکیه بر هم‌فکری، همکاری و مشاوره صورت پذیرفته است.

جای تردید نیست که تکامل علمی بشر تدریجی است و پیشرفت انسان در کشف حقایق و مجهولات جهان آرام آرام انجام گرفته است؛ با این حال و با وجود پیشرفت‌های عظیم بشر در علم و دانش، کاروان علمی بشر هنوز اندر خم یک کوچه است؛ زیرا ما تا به امروز تنها گوشه‌ای از کتاب قطور علم را خوانده‌ایم و بسیاری از اسرار و حقایق آن هم چنان از ما مخفی مانده است.

دکتر آلکسیس کارل - چهره علمی و مشهور فرانسه - می‌نویسد: «اگر عقیده ما را تحقیر یا اهانت حساب نکنید، تمام پزشکیانی که در کار خود زحمت می‌کشند عقیده دارند که آن‌چه تاکنون به دست آورده‌اند، در مقابل مسائلی که باید بعداً بدانیم بسیار بی‌اهمیت و ناچیز است! آن‌چه به دست آمده نیز در پرتو هم‌فکری و مشورت به دست آمده است.» (آلکسیس کرل، ۱۳۶۴ ش: ۱۴۹) این مسأله نشان می‌دهد که مشورت و هم‌فکری چه در سطح جزئی (در زندگی تک تک افراد) و چه در سطح کلان (در جوامع مختلف و در گستره جهان) در رشد سطح فکری آدمیان و نیز رشد و پیشرفت علوم و سطوح زندگی انسان‌ها نقش بسیار مهم و اساسی‌ای داشته و دارد.

۲- جلوگیری از استبداد و خود رأیی

انسان‌ها در هر سطح از علم و دانش و کمال که باشند، باز هم نسبت به برخی امور ناآگاه هستند. نگرش هر فرد به مسائل مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، متناسب با میزان تحصیلات، شرایط رشد شخصیت و محیط تربیتی و فرهنگی او می‌باشد. بنابراین، در بررسی مسائل مختلف اجتماعی - به ویژه در مقوله تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی - بهره‌گیری از نظریات افراد و گروه‌ها بسیار با اهمیت است. زاویه دید افراد و گروه‌ها زمانی کمال پیدا می‌کند که از نظریات دیگران، به نحو احسن بهره‌برداری نمایند. بدین ترتیب، نقایص مسائل فرهنگی و سیاسی با تضارب آرا و افکار، کمال یافته و از استبداد و خود رأیی جلوگیری می‌گردد. اسلام خود رأیی را به شدت نکوهش و مذمت کرده است. پیامبر عظیم‌الشان π فرمود: «ما شَقِيَّ عَبْدًا قَطُّ بِمَشُورَةٍ وَلَا سَعْدًا بِاسْتِغْنَاءِ رَأْيٍ» (محمودی، بی تا: ۷ / ۲۷۴)؛ ابوالفوح رازی، ۱۳۷۷ ش: ۱۰ / ۵۶؛ القرطبی، ۱۴۰۵ ق: ۳ / ۱۴۹۳) هیچ‌گاه کسی با مشورت بدبخت و با خود رأیی خوشبخت نشده است.» امام علی γ نیز می‌فرماید: «ما أَعْجَبَ بِرَأْيِهِ إِلَّا جَاهِلٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ش: ح ۷۹۶۴؛

محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶ق: ۲/ ۱۰۲۵) جز نادان کسی رأی خود را بزرگ نمی‌بیند».

استاد مطهری ضمن توضیح و تفسیر خطبه‌ای از امیر المؤمنین علی^ع به این مهم اشاره می‌کند و می‌گوید: «امیر المؤمنین^ع مراجع به اتفاق و اتحاد بیانات زیادی دارد. ایشان با این فکر مبارزه می‌کنند که بعضی از مردم را غرور می‌گیرد و خودشان را ما فوق هم فکری و همکاری، مافوق عقل و فکر و عمل دیگران فرض می‌کنند؛ فکر نمی‌کنند که عقل فرد هر اندازه که صائب باشد و عمل فرد هر اندازه مؤثر باشد، مثل عقل اجتماعی و عمل اجتماعی نیست» (شهید مطهری، ۱۳۶۹ش: ۱۱۹) اندیشمندان و عالمان مسلمان بر این باروند: «افرادی که گرفتار استبداد رأی هستند و خود را بی‌نیاز از افکار دیگران می‌دانند هر چند از نظر فکری فوق العاده باشند، غالباً گرفتار اشتباهات خطرناک و دردناکی می‌شوند. از این گذشته استبداد رأی، شخصیت را در توده مردم می‌گشود و افکار را متوقف می‌سازد و استعدادهای آماده را نابود می‌کند، و به این ترتیب بزرگ‌ترین سرمایه‌های انسانی یک ملت از دست می‌رود» (مکارم شیرازی، بی تا: ۳ / ۱۴۴).

۳- کسب محبت الهی و اقتدا به معصومین Δ

بنیادی‌ترین قابلیت مشورت و هم فکری، به دست آوردن محبت حق تعالی است، زیرا هم فکری و مشورت در امور موجب نزدیک شدن به دیدگاه صحیح و مانع از سقوط انسان در خطاها و اشتباهات می‌گردد. هم‌چنین مشاوره یکی از سیره‌های پیامبر و ائمه Δ بوده است. اسوه بودن رسول الله π و اهل بیت عصمت و طهارت Δ برای انسان‌ها و لزوم اقتدا و تأسی به سنت و روش آن بزرگواران، از بایسته‌های اعتقادی ما به حساب می‌آید که موجب کسب محبت الهی می‌گردد.

ناگفته نماند که معصومین Δ نیز همانند رسول الله π نیازی به کسب آرا و نظریات و مشورت با دیگران نداشتند، زیرا آنان عقل کل و مصون از خطا بودند، با این حال به مشورت توجه خاصی نشان می‌دادند؛ تا جایی که امام صادق^ع ترقی عقل از مرتبه قوه به مرتبه فعل را به سبب مصاحبت و مشاورت با صاحبان عقل و علم و تجربه در امور دین و تقوا دانسته و می‌فرماید: فرد مؤمن در همه امور دین خود با مؤمنی که از نظر عقل و علم کامل باشد مشاوره می‌کند. (نوری، بی تا: ۲/ ۶۵). ایشان هم‌چنین در بیان اهمیت هم‌اندیشی و مشورت می‌فرماید: «مَثَلُ الْمَشُورَةِ مَعَ أَهْلِهَا مَثَلُ التَّفَكَّرِ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (همان: ۸ / ۳۴۴) مشورت

و همفکری با افراد شایسته و با صلاحیت، همانند تفکر در خلقت آسمان‌ها و زمین است». این سخن گهر بار به حد کافی اهمیت مشورت و هم اندیشی را برای ما روشن می‌سازد و آن را در زمره عبادات قرار می‌دهد.

۴- رشد و تکامل علوم و گسترش امور فرهنگی

یکی از عوامل مهم پیشرفت علوم در رشته‌های مختلف، تبادل نظر و همفکری دانشمندان طراز اول این رشته‌هاست. آنان اندوخته‌ها، تجارب و یافته‌های جدید علمی خود را در اختیار دیگر متخصصان قرار می‌دهند. نتیجه این تبادل نظر، رفع نواقص، اصلاح عیوب و تکامل و رشد نظریات علمی است. اسلام نیز سخت به این مسأله پای‌بند است.

استاد شهید مطهری در این خصوص می‌گوید: «از نظر اسلام همفکری و تبادل نظر یکی از اصول زندگی اهل ایمان و پیروان اسلام است» (مطهری: ۱۰۶).

مولای متقیان امیرمؤمنان علی علیه السلام که خود نظامی مبتنی بر اصول و ارزش‌های الهی بنا نهاد، می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ عِبَادَ اللَّهِ الْمُسْتَحْفَظِينَ عِلْمَهُ يَصُونُونَ مَ صُونَهُ وَيَفَجِّرُونَ عِيُونَهُ يَتَوَّ صَلُونَ بِالْوِلَايَةِ وَيَتَلَقُونَ بِالْمَحَبَّةِ وَيَتَسَاقُونَ بِكَأْسِ رَوْيَةٍ وَيَصْدُرُونَ بَرِيَّةٍ؛ (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۴) بدانید آن دسته از بندگان خدا که علم خدا به آن‌ها سپرده شده، سر خدا را نگه می‌دارند، چشمه‌های او را جاری می‌کنند (چشمه‌های علم را به روی مردم باز می‌کنند)، با یکدیگر رابطه دوستی و عاطفی دارند، با گرمی و محبت با یکدیگر ملاقات می‌کنند و یکدیگر را از جام اندوخته‌های علمی و فکری خود سیراب می‌کنند و در نتیجه، همه سیراب و راضی بیرون می‌آیند».

این کلام امیرالمؤمنین علیه السلام تصویری دقیق را از یک شورای علمی که جهت تبادل افکار و اندیشه‌ها تشکیل می‌شود، نشان می‌دهد. امروزه با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و سرعت انتقال پیام در هر لحظه در این دهکده جهانی، این امکان برای هر محقق و اندیشوری وجود دارد که با دورترین نقاط دنیا ارتباط برقرار کند و به تبادل یافته‌های علمی و تحقیقاتی بپردازد.

اکنون شبکه عظیم اینترنت و اینترنت، جویندگان علم را به آسانی با صاحب نظران رشته‌های مختلف علمی در داخل و خارج از کشور ارتباط می‌دهد. استاد مطهری در این باره می‌نویسد: «در دنیا در عین این که

رشته‌های تخصصی در همه علوم پیدا شده و موجب پیشرفت‌ها و ترقیات محیر العقول شده، یک امر دیگر نیز عملی شده که آن هم به نوبه خود یک عامل مهم در ترقی و پیشرفت بوده و هست و آن موضوع همکاری و همفکری بین دانشمندان طراز اول و صاحب نظران هر رشته است. در دنیای امروز دیگر فرد و عمل فردی ارزش ندارد و از تکروی، کاری ساخته نیست. علما و دانشمندان دائماً ما مشغول تبادل نظر با یکدیگرند؛ آن‌ها محصول فکر و اندیشه خود را در اختیار سایر اهل نظر قرار می‌دهند، در نتیجه این همکاری‌ها و همفکری‌ها و تبادل نظرها، اگر نظریه مفید و صحیحی پیدا شود، زودتر منتشر می‌شود و جای باز می‌کند و...» (مطهری، ۱۳۶۸ش: ۱۰۵ - ۱۰۴).

۵- شناسایی چهره واقعی افراد

چهره واقعی و نظریه‌های پنهان افراد با مشاوره آشکار می‌شود. امام علی ۷ در این باره می‌فرماید: «خَوَافِي الْاِرَاءَ يَكشِفُهَا الْمَشَاوِرَةُ». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش: ۴۴۱ و ۱۰۰۷۲). آرای مخفی با مشاوره کشف می‌شود. انسان با مشاوره دوست را از دشمن و خادم را از خائن جدا می‌سازد؛ چرا که طرف مشاوره ناگزیر از اظهار نظر و بیان عقیده خویش می‌باشد. ممکن است انسانی را که ساکت و خاموش در کناری ایستاده است، به سادگی نتوان شناخت، ولی آن را که لب به سخن گشوده، می‌توان از جملات و افکاری که بر زبان می‌آورد، شناخت.

۶- شناسایی متخصصان، متفکران و مبتکران

مشورت از جمله بهترین راه شناسایی استعدادهای پنهان و به کارگیری و استفاده بهینه از آن‌ها در جایگاه خاص خود به شمار می‌رود. بسیاری از افراد هستند که صاحب اندیشه و فکر می‌باشند، ولی شناخته شده نیستند. در مقابل نیز برخی افراد بلند پرواز که فقط ادعای اندیشوری و فرزائگی آنان گوش فلک را کر کرده است، به عنوان مشاور شناخته می‌شوند. این افراد قبل از مشاوره درباره موضوعات متعدد - خصوصاً مباحث علمی - ادعای زیادی دارند، اما وقتی آن موضوع به مشاوره گذاشته می‌شود، هیچ پیشنهاد روشنی برای ارائه ندارند و یا راه کار ارائه شده آن‌ها مشکلات بیش از پیش برای طرف مشورت ایجاد می‌کند.

۷- کسب آگاهی و تجربه از دیگران

مشورت به نوعی افزایش دایره اطلاعات و آگاهی‌های انسان در موضوع خاص بشمار می‌آید. شناخت حقیقی امور، کسب تجربیات حوزه اطلاعات انسان را گسترش می‌دهد و آدمی را از شک و تردید رهایی بخشیده و به قطع و یقین رهنمون می‌سازد. و راه صحیح را از سقیم روشن می‌کند چنان که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «راه درست و صواب به دست نیاید مگر با مشورت کردن» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۷ش: ۱/ ۵۹۰). به همین دلیل هم اندیشی و مشورت و فرآیند مشاوره نوعی تعلیم و یادگیری است و شامل کلیه هدف‌های علم و تعلیم و تعلم می‌گردد. البته استفاده از تجربه و آگاهی دیگران برای همگان میسر نیست، زیرا بسیاری از مردم تا خود چیزی را تجربه نکنند و سرشان به سنگ نخورد، متنبه نشده و راه صحیح را در پیش نمی‌گیرند.

۸- پیش‌گیری از خطا

مشورت موجب مصونیت بیشتر از خطا، معذور بودن در صورت خطا کردن و هم‌چنین مصون ماندن از حسد دیگران در صورت پیروز شدن در کار می‌گردد. اگر انسان پس از هم‌اندیشی و مشورت با مشاورین آگاه و مجرب، خطایی مرتکب شد، مردم او را تقبیح و سرزنش نمی‌کنند.

امام علی علیه السلام فرمود: «الْمُسْتَشِيرُ مَتَّحِصِنٌ مِنَ السَّقَطِ» (ری شهری ۱۴۱۶ق: ۲/ ۱۵۲۴) مشورت کننده از اشتباه و لغزش مصون است. آن حضرت در جای دیگر فرمود: «الْمُشَاوِرَةُ حِصْنٌ مِنَ النِّدَامَةِ وَ أَمْنٌ مِنَ الْمَلَامَةِ» (الحلمانی، بی تا: ۱۲؛ المناوی، بی تا: ۱/ ۳۵۴). مشاوره از پشیمانی جلوگیری می‌نماید و باعث می‌شود انسان از توبیخ و سرزنش مصون بماند.

امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز در این خصوص می‌فرماید: «مَنْ اسْتَشَارَ لَمْ يَعْذَمْ عِنْدَ الصَّوَابِ مَادِحًا وَ عِنْدَ الْخَطَا عَازِرًا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۴/۷۲، ح ۳۷). هر کس به همفکری و مشورت بپردازد، اگر توفیق یابد مورد ستایش است و اگر بلغزد، معذور است.

نقش مشورت و هم‌اندیشی در جلوگیری از خطا کاری و اشتباه کاری انسان به حدی است که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ اسْتَشَارَ ذَوِي النُّهْيِ وَ الْأَلْبَابِ فَازَ بِالْحَزْمِ وَ الْأَسْدَادِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش: ۴۴۲، ح ۱۰۸۲) آن کس که با افراد خردمند به مشاوره بنشیند، به دور اندیشی و فکری محکم دست یافته است.

آن حضرت به فرزندش محمد بن حنفیه وصیت می‌کند: «مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْأَرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَاةِ؛» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۱۵ / ۲۸۱). کسی که از نظرات مختلف استقبال کند به زوایا و نقاط خطا و لغزش پی می‌برد». و نیز فرمود: «کسی که از نظرات و آراء گوناگون استقبال نماید، موارد خطا و اشتباه را می‌شناسد». (نهج البلاغه، حکمت: ۱۷۳).

۹- شکل‌گیری و رشد شخصیت

انسان دارای ابعاد گوناگونی است و به همین دلیل ویژگی‌های مختلفی را به ظهور و بروز می‌رساند که از جمله آن‌ها ویژگی‌های شخصیتی او است. «شخصیت» همان شکل و سازمان پویای درونی انسان است که از سیستم‌های روانی تشکیل شده است و در واقع این سیستم‌ها، رفتار، کردار و گفتار فرد در زمینه‌های مختلف است. یکی از اهداف مشورت در اسلام «تکریم شخصیت افراد» و «جلوگیری از احساس حقارت» است. با همفکری و مشورت نظرات آحاد جامعه شناخته شده و مورد توجه قرار می‌گیرد. این توجه، سبب می‌شود که افراد احساس کنند وجود و حضورشان در جامعه و در متن مسائل اجتماعی، قابل اعتنا و حائز اهمیت است؛ در نتیجه با اعتماد به نفس بیشتری اظهار نظر کرده، دامنه افکار و عقاید خود و دیگران را گسترش می‌دهند.

استاد مطهری می‌گوید: «رهبری مشورتی، مستلزم شخصیت دادن به پیروان و به حساب آوردن آن‌ها است. باید هرگونه احساس حقارتی را از انسان‌ها زایل ساخت، زیرا آن‌ها را به همکاری و پیروی تشویق کرده و نیروهای آن‌ها را بسیج می‌سازد». (مطهری، ۱۳۶۶ش: ۲۱۸ و ۲۱۹).

در روند هم‌اندیشی و مشورت، حس همکاری زنده می‌شود و مردم احساس می‌کنند در تعیین خط‌مشی زندگی اجتماعی خود سهیم هستند. مشورت و هم‌فکری باعث می‌شود استعدادها و پنهان آشکار شده و خلاقیت‌ها به ظهور رسد؛ لذا شخصیت انسان از نظر تربیتی و اخلاقی از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حال که جایگاه و اهمیت شخصیت معلوم شد، باید گفت که مشورت، هم‌اندیشی و هم‌فکری یکی از عوامل مهم و کلیدی سازمان‌دهنده، شکل‌دهنده و سازنده شخصیت بوده و یا موجب رشد آن است.

اگر در نهاد انسان روحیه مشورت‌خواهی و هم‌اندیشی وجود داشته باشد، زمینه ایجاد شخصیت و رشد آن

وجود دارد و رشد شخصیت انسان پویایی و بالندگی جامعه را به ارمغان خواهد آورد.

ب) ضرورت وجود مشورت

مجموعه ای از مسائل ضرورت مشورت با اهل خرد را روشن می کند که به ارخی از آن ها اشاره خواهد شد.

۱- وجود مجهولات در زندگی بشر

انسان همواره در زندگی با مجموعه مجهولاتی روبه رو است که برای حل آن ها به تفکر، اندیشه و تدبیر نیازمند است و هر چه بیشتر و بهتر در آن ها بیندیشد، موفقیت بیش تری کسب خواهد کرد. گرچه انسان پیش از انجام هر کار، ابتدا به کمک عقل طرحی برای نحوه اجرای آن تهیه می کند، اما تردیدی نیست که این اندازه طراحی و تدبیر برای اداره کامل یک زندگی و حل مشکلات آن ها کافی نیست. از این رو آدمی به تفکر و تجربه دیگران نیاز پیدا می کند تا بتواند به یک طرح هماهنگ تر و جامع تر برای حل مشکلات و مسائل، دسترسی یابد و جهت گیری های اساسی خود را در زندگی تعیین نماید. اصولاً انسان به تنهایی قادر نیست همه ابعاد یک موضوع را بکاود و مصالح و مفاسد آن را تشخیص دهد؛ در این مواقع مشورت و همفکری به کمک او آمده و دورنمایی از واقعیت را برایش ترسیم می کند، آیاتی از قرآن مجید و روایاتی از پیامبر مکرم π و سخنان ائمه اطهار Δ همگی گواه این مدعا می باشد.

۲- تفاوت انسان ها در اندیشه

از جمله عواملی که در پیدایش مشورت اخلاقی نقش اساسی دارد، تفاوت انسان ها در خصوصیت های فردی و استعداد های درونی است. همگان بر این تفاوت اذعان دارند و قرآن نیز به گوناگونی و تفاوت انسان ها در آفرینش اشاره می کند: «وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا» (نوح، ۱۴). هر آینه شما را گوناگون آفرید. امام صادق γ هم با عبارت بسیار زیبایی به بیان تفاوت انسان ها می پردازد: ذخیری که در باطن مردم نهفته است، مانند طلا و نقره با یکدیگر متفاوت است (کلینی، بی تا: ۱۷۷).

این تفاوت ها انسان را بر آن می دارد تا با دیگران در حوزه های مختلف فردی و اجتماعی، در جهت رفع مشکلات و رشد و شکوفایی همه جانبه هم اندیشی و هم فکری کند. انسان ها به لحاظ ضرورت تکامل طلبی و رشد خواهی و یا علاقه مندی به دیگران و هم نوع دوستی و یا به سبب تفاوت در آفرینش و خصوصیات

فردی و استعدادها، همفکری و مشورت را اجتناب‌ناپذیر می‌دانند و خود را ملزم به هم‌اندیشی و مشورت با دیگران می‌پندارند و در این رهگذر از آثار فراوان آن نیز بهره‌مند می‌گردند.

۳- وجود ناهنجاری‌ها در جامعه

بی‌تردید در هر جامعه‌ای ناهنجاری‌های عمومی و اختصاصی وجود دارد که تعداد آن‌ها در جوامع به لحاظ تفاوت فرهنگ‌ها، متفاوت و مختلف می‌باشد از این رو در جوامعی که دارای فرهنگ‌های اصیل نمی‌باشند و بنیان آداب، رسوم و ارزش‌های آن‌ها بی‌ریشه و سست می‌باشند و خیلی زود رنگ و پوست عوض می‌کنند، گرفتار ناهنجاری‌ها فراوان فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌شوند؛ که این موضوع موجب افول و ایستائی جامعه از تکامل و پویائی می‌شود. که این امر مشورت را اقدامی بایسته می‌سازد.

۴- ضرورت برون‌رفت از ناهنجاری‌ها

همان‌گونه که پیشتر گفته شد؛ هر جامعه‌ای ناهنجاری‌هایی دارد که مانع بزرگی بر سر راه تکامل و پویائی آن می‌باشد و بساری از مشکلات فردی، خانوادگی و اجتماعی را به دنبال دارد. از این رو آن دسته از انسان‌هایی که به آثار مخرب آن آگاهی دارند به دنبال راه برون‌رفت از آن هستند تا با بهره‌مندی از ساز و کارهای علمی و عملی از آن رهائی یابند. در این راستا یکی از راه‌های اداره صحیح و درست جامعه، مشورت و استفاده از خرد دیگران و عقل جمعی می‌باشد؛ زیرا مشورت از جمله بهترین ساز و کار تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های فردی و اجتماعی، مهم و تعیین‌کننده‌ای است که آدمی را در شفاف‌بینی مدد می‌رساند.

نتیجه:

مشورت و هم‌اندیشی نوعی تعامل فکری است که سهم عمده‌ای در تصمیم‌گیری‌ها در دست و تصمیم‌سازی‌های رفتاری فردی و اجتماعی صحیح دارد. انسان در هر سطح و مرحله‌ای از اندیشه و تعقل که باشد به این اصل مهم نیازمند است، زیرا در زندگی همواره با مجموعه مسائلی رو به رو است که بدون شک در همه آن‌ها تدبیر و تفکر او به تنهایی کافی نیست و نیازمند استمداد از تفکر و تجربه دیگران است. بنابراین، هم‌اندیشی و مشاوره در کارها امری بایسته و شایسته به نظر می‌رسد که بسیاری از گره‌های کوری

را که عقل فرد قادر به گشودن آن نیست، به راحتی می‌گشاید و بر نقاط تاریک، نور می‌تاباند. اسلام نیز به هم اندیشی، همفکری و مشورت توصیه فراوان کرده است که آیات و روایات ائمه معصومین^Δ به خوبی گویای این حقیقت است.

هم فکری و مشورت اختصاص به یک فرد یا یک گروه معین ندارد، بلکه اگر همگان در امور خانواده، اجتماع و حکومت، هم اندیشی و مشورت کنند، کارهایشان از استحکام بیشتری برخوردار خواهد بود. از این رو می‌بایستی مشورت بعنوان منشور اخلاقی در جامعه بویژه جامعه دینی نهادینه گردد. برای تحقق و تقویت این اصل از راه های گوناگونی امکان پذیر است از جمله: دوری از خود محوری، دقت در فوائد مشورت، دقت در آیات و روایات این باب، تجربه نمودن در بعضی امور زندگی، مبارزه با تکبر و موانع دیگر برای مشورت خواهی، به یاد آوردن شکست های گذشته، دقت در عوامل موفقیت خود و دیگران. امید آن که روزی شاهد عملیاتی شدن آن باشیم.

کتابشناسی

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. البرقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۰ش، المحاسن، تحقیق جلال الدین الحسینی، چاپ اول، دارالکتب الاسلامیه، طهران.
۴. الشرباصی احمد، ۱۳۷۹ش، دایرة المعارف اخلاق قرآنی، محمد بهاء الدین حسینی، سنندج، چاپ اول، انتشارات تازه نگاه.
۵. آلكسیس کرل، ۱۳۶۴ش، انسان موجود ناشناخته، مترجم پرویز دبیری، کتابفروشی تأیید، چاپ چهارم، اراک.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد ابن مجد، ۱۳۶۶ش، غررالحکم و دررالکلم، دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم.
۷. جورج و کریستانی، ۱۴۰۴ق، روان‌شناسی مشاوره، ترجمه رضا فلاحی و محسن حاجیلو، تهران.
۸. حر عاملی ۱۴۱۴ ق، وسائل الشیعة، مؤسسه آل‌البیت، چاپ دوم، قم، ایران.
۹. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا، تهران.
۱۰. راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، مفردات غریب القرآن، چاپ دوم، دفتر نشر کتاب، ایران.
۱۱. زیدان، عبدالکریم، ۱۹۷۵م، اصول الدعوة، بغداد، عراق.
۱۲. عبدالحلیم محمود، ۱۴۱۰ق - ۱۹۹۰م، فقه الدعوة الی الله، دار الوفاء الطبعة الاولى.
۱۳. فیض القدیر شرح الجامع الصغیر، المناوی، تصحیح احمد عبدالسلام، چاپ اول، دارالکتب العلمیه.
۱۴. قرشی، علی اکبر، ۱۳۵۴ش، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، روضه کافی،
۱۶. لويس بن نقولا (نیکولا) معلوف، بی تا، المنجد، مترجم احمد سیاح، بیروت، لبنان.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، لبنان.

۱۸. محمدی‌ری‌شهری، محمد، ۱۴۱۶ق، میزان الحکمة، انتشارات دار الحدیث، ایران.
۱۹. محمودی، محمد باقر، بی‌تا، نهج السعادة. چاپ اول، مطبعة النعمان.
۲۰. مسکویه، احمد بن محمد بن یعقوب الرازی، ۱۴۱۱ق، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، چاپ سوم، بیدار، قم.
۲۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۶ش، مامت و رهبری، شهید انتشارات صدرا، قم، ایران.
۲۲. معین، محمد، ۱۳۶۰ش، فرهنگ معین، انتشارات امیرکبیر، تهران، ایران.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، بی‌تا، تفسیر نمونه، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تهران.
۲۴. نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، الحلوانی، چاپ اول، مدرسة الامام المهدي (عجل الله تعالى فرجه)، قم.
۲۵. نوری، میرزا حسین، بی‌تا، مستدرک الوسائل، چاپ دوم، آل البيت، بیروت، لبنان.